

دوفصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی سال هفتم، شماره اول، پیاپی ۱۳- پاییز و زمستان ۱۳۹۳، صص ۷-۳۰

بررسی تجربی تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام در اقتصاد ایران پس از انقلاب اسلامی

سعید فراهانی فرد*

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۱۴

محسن کشاورز**

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۹/۲۴

چکیده

اهداف هر مکتب اقتصادی، محور تمام سیاست‌ها، قانون‌گذاری‌ها و توصیه‌های اخلاقی آن مکتب و نظام است. اهداف، هم از لحاظ جهت‌دهی و نظم بخشیدن به فعالیت اجزای نظام و هم از آن جنبه که وجه افتراق مکاتب اقتصادی از یکدیگر است، بسیار مهم و قابل توجه می‌باشد.

تحقیق حاضر می‌کوشد تا براساس روش عقلی و نقلی به تبیین اهداف نظام اقتصادی اسلام پرداخته و در ادامه با طراحی شاخص اهداف اقتصادی اسلام، میزان تحقق آن‌ها را در اقتصاد ایران، پس از انقلاب اسلامی سنجش نماید. فرضیه تحقیق عبارت است از اینکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وضعیت اقتصادی کشور به تحقق هر چه بیشتر اهداف نظام اقتصادی اسلام نزدیکتر شده است.

یافته‌های تحقیق علاوه بر تایید فرضیه فوق، مؤید این مطلب است که براساس شاخص‌های بدست آمده، اقتصاد ایران علیرغم برخی نوسانات قابل توجه در برخی از سال‌ها، توانسته وضعیت خود را در طول زمان بهبود بخشد و به تحقق هر چه بیشتر اهداف نظام اقتصادی اسلام نزدیک‌تر گردد.

واژگان کلیدی

اهداف نظام اقتصادی اسلام، اقتصاد ایران، رفاه اقتصادی

saeed.farahanifard@gmail.com

* دانشیار دانشگاه علوم اقتصادی

** کارشناس ارشد اقتصاد اسلامی، دانشگاه علوم اقتصادی (نویسنده مسئول) mohsen.k.n.e.i@gmail.com

مقدمه

در ساختار هر نظام اجتماعی، اهداف جایگاهی کلیدی و تعیین‌کننده را دارا هستند. اگر اهداف یک نظام اقتصادی به روشنی تبیین نگردد، راه و روش وصول به آن نیز تعیین نخواهد شد. اهداف، سامان‌دهنده به پیکره و ساختار اجتماعی بوده و سیاستگذاری‌های دولت را در افق کوتاه‌مدت و بلندمدت، سامان می‌دهد.

اسلام به عنوان دین و مکتب جامع زندگی بشری، دارای فلسفه حیاتی مختص خود است که تبیین و فهم همه‌جانبه آن، منوط به بررسی و واکاوی منابع اصیل اسلامی چون عقل و نقل است. مکتب اسلام بنا به تعریف ویژه‌ای که از حیات انسانی و فلسفه خلقت دارد، ساختارهای قانونی و اخلاقی خاصی را تبیین نموده تا فرایند به کمال رسیدن انسان و سعادت اخروی وی را تسهیل نماید.

هدف نهایی در نظام سرمایه‌داری کسب حداکثر ممکن از امکانات مادی در چارچوب ارزش‌های آزادی خواهانه لیبرالیستی است که تنها قید قانونی و لازم الاجرا در این نظام، عدم تعرض به آزادی‌های فردی دیگران و عدم ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی در پیکره نظام سرمایه‌داری است. اما در نظام اقتصادی اسلام، انگیزه کنش‌های اقتصادی مردم و محور تمامی سیاست گذاری‌های دولت، تامین مقدمات لازم برای سعادت جامعه اسلامیست.

نظام اقتصادی به عنوان یکی از زیر نظام‌های مهم ساختار اجتماعی اسلام، متأثر از فلسفه خلقت ویژه‌ای است و لذا در اهداف، اصول و راهبردها با مکاتب اقتصادی دیگر تفاوت دارد. تبیین دقیق و روشمند این اهداف علاوه بر اینکه راهنمای مهمی برای سیاست‌گذاری دولت است؛ می‌تواند اقتصاد اسلامی را نیز در یافتن جایگاه ویژه‌اش در میان اندیشه‌های دیگر یاری رساند. تحقیق حاضر پس از احصای اهداف نظام اقتصادی اسلام با روش عقلی و نقلی به بررسی آماری تغییرات شاخص اهداف در اقتصاد ایران پرداخته و به این نتیجه رسیده که روند این شاخص در طول دوره مورد بررسی رو به رشد بوده است.

۱. پیشینه تحقیق

شهید صدر(ره) (۱۳۵۰) ضمن ترسیم ابعاد مختلف نظام اقتصادی اسلام، سه اصل آزادی اقتصادی، مالکیت مختلط و عدالت اقتصادی که شامل اصولی چون تکافل اجتماعی و توازن اجتماعی است را به عنوان هدف نظام اقتصادی اسلام معرفی کرده و این اهداف را متناسب با مقتضیات روحی و جسمی انسان دانسته و روش‌ها و راهبردهای دینی تحقق آنرا واقع‌بینانه و قابل دسترسی ارزیابی می‌کند.

در نقد دیدگاه شهید صدر(ره) بایستی اشاره کرد که معرفی اصولی چون آزادی اقتصادی و مالکیت مختلط به عنوان اهداف نظام اقتصادی اسلام دچار اشکال است چرا که آزادی اقتصادی و مالکیت مختلط نمی‌تواند به عنوان هدف نظام اقتصادی مدنظر باشد و بیشتر به عنوان چارچوب‌های حقوقی و اصول راهبردی اقتصاد اسلامی قابل توجه است.

طبق پژوهش‌های دفتر همکاری‌های حوزه و دانشگاه (۱۳۷۴) نظام اقتصادی اسلام در پی تحقق اهدافی است که برخی از آن‌ها اخلاقی و برخی دیگر اجتماعی و حتی سیاسی است، همانند حاکمیت سیاسی اسلام، تحکیم ارزش‌های معنوی و اخلاقی، برپایی عدالت اجتماعی، عدم وابستگی اقتصادی، خودکفایی و اقتدار اقتصادی، توسعه و رشد و رفاه عمومی. این اندیشمندان معتقدند که شاید برخی از اهداف پیش گفته به تمامه اقتصادی نباشد اما بایستی آن‌ها را در زمره اهداف نظام اقتصادی اسلام دانست چرا که در احکام و شریعت اسلام، عرصه‌های فرهنگی و اقتصادی و سیاسی از یکدیگر تفکیک شده نیستند و دارای روابط متقابل با یکدیگرند.

در نقد این دیدگاه می‌توان اشکال نمود که برخی از اهدافی که به عنوان اهداف نظام اقتصادی اسلام ذکر شده است، بایستی به عنوان اهداف سایر زیر نظام‌های اسلامی مطرح شوند. هرچند اهدافی چون حاکمیت سیاسی اسلام و تحکیم ارزش‌های اخلاقی از اقتصاد متأثر هستند و بر اقتصاد نیز موثر هستند اما به هر حال نمی‌توانند به عنوان هدف زیر نظام اقتصادی مورد توجه باشند.

چپرا (۱۳۷۴) معتقد است که به دور از انصاف است اگر دولت اسلامی را دولت رفاه بنامیم چرا که شواهد و قراین از آیات قرآن و سنت اسلامی و نوشته‌های اندیشمندان مسلمان در باب تامین رفاه جامعه اسلامی به فراوانی یافت می‌شود. هادوی تهرانی (۱۳۷۸) اهداف نظام اقتصادی اسلام را تحقق عدالت اقتصادی، ایجاد قدرت اقتصادی برای حکومت اسلامی، رشد اقتصادی و استقلال اقتصادی معرفی می‌کند.

یوسفی و دیگران (۱۳۷۹) اهداف نظام اقتصادی اسلام را در طول اهداف غایی نظام اجتماعی اسلام یعنی قرب الهی و تزکیه روحی معرفی می‌کند و اهداف نظام اقتصادی اسلام را در سه دسته اهداف زیر ذکر می‌نماید: اهداف نهایی: سعادت انسانی؛ ب. اهداف میانی: کفاف عمومی، توازن ثروت، قدرت اقتصادی و ...؛ ج. اهداف عملیاتی: رشد، اشتغال، تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها و ...

موسویان (۱۳۷۹) اهداف نظام اقتصادی اسلام را شامل دو دسته هدف می‌داند؛ دسته اول از اهداف ناظر به تحقق عدالت اقتصادی در جامعه است. این دسته از اهداف شامل دو هدف تامین رفاه عمومی و ایجاد توازن اقتصادی در جامعه است. دسته دوم از اهداف ناظر به ایجاد قدرت اقتصادی در جامعه اسلامی است که شامل رشد اقتصادی و استقلال و خودکفائی اقتصادی است.

جهانپان (۱۳۸۲) هدف نظام اقتصادی اسلام را تولید و توزیع در حد ضروری و کفاف جامعه اسلامی می‌داند به طوری که تمامی نیازهای مصرفی جامعه اسلامی را پوشش دهد.

یوسفی (۱۳۸۵) معتقد است که بایستی میان اهداف نظام اقتصادی اسلام و اهداف دیگر زیرنظام‌های اسلامی تمایز قائل شد. او براساس آیات و روایات نتیجه می‌گیرد که تامین رفاه اقتصادی، هدف نهایی نظام اقتصادی اسلام است.

سیدی نیا (۱۳۸۷) براساس آیات و روایات و تبیین کرامت و جایگاه انسان در نظام هستی، استدلال می‌کند که رشد اقتصادی، عدالت اقتصادی و امنیت اقتصادی، اهداف غایی نظام اقتصادی اسلام است. او معتقد است که دین اسلام دینی جامع و

کامل است و آموزه‌هایش به گونه‌ای تنظیم گشته که انسان را در ابعاد اقتصادی زندگی فردی و جمعی‌اش توانمند با هم به این سه هدف رهنمون سازد.

میرمعزی (۱۳۹۰) هدف نظام اقتصادی اسلام را تامین سعادت فرد و جامعه در چارچوب فلسفی اسلام می‌داند و با تبیین مفهوم زندگی گوارا، اهداف غایی نظام اقتصادی اسلام را در پنج جنبه فراحی در روزی، همدم سازگار، تندرستی، امنیت و آسایش و آرامش روحی و جسمی معرفی می‌کند.

در بررسی دیدگاه‌های فوق بایستی اشاره نمود که عمده مطالعات انجام شده براساس روش‌های نظری و صرفاً جهت استخراج و معرفی اهداف نظام اقتصادی اسلام بوده است و هر چند که تفاوت‌های جزئی در اهداف ارائه شده به چشم می‌خورد اما نهایتاً دیدگاه‌های مختلف به نتایج تقریباً یکسانی رهنمون شده‌اند. در حالیکه در هیچ کدام از مطالعات پیش گفته، بررسی تجربی جهت سنجش میزان تحقق این اهداف در عرصه واقعی اقتصاد، صورت نگرفته است. از نوآوری‌های تحقیق پیش رو این است که تلاش شده تا علاوه بر معرفی اهداف نظام اقتصادی اسلام، شاخص کمی اهداف نیز تبیین شود و با رجوع به آمار و اطلاعات موجود، روند تغییر این شاخص‌ها در اقتصاد ایران مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

۲. ضرورت شاخص‌سازی در عرصه اقتصاد اسلامی

شاخص در لغت به معنای «وسیله‌ای برای مشخص کردن هر موضوع» می‌باشد (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹، ص ۲۲۶) و در اصطلاح، شاخص‌ها عبارت‌اند از سری‌های خلاصه شده داده‌ها، در رابطه با موجودی‌ها و جریان‌ها که برای سنجش شرایط اقتصادی و اجتماعی طرح شده‌اند. بسیاری از شاخص‌ها، سری‌های ساده‌ای هستند که در قالب ارقام مطلق، درصدها، میانگین‌ها و نسبت‌ها بیان شده‌اند (شهادی، ۱۳۶۷، ص ۱۷۵).

شاخص‌ها در واقع، ترجمان اهداف کلان و کیفی هستند که جهت‌گیری سیاست‌ها به سوی اهداف را دقیق‌تر می‌کنند. دقت در جهت‌گیری از یک سو باعث عدم اتلاف منابع می‌شود و از سوی دیگر، تحقق اهداف مطلوب را میسر می‌سازد. با درک این مهم

و با عنایت به اینکه مفاهیم در حوزه علوم اجتماعی منعطف بوده و عمدتاً اتفاق نظری بر تعاریف، مفاهیم و واژه‌ها وجود ندارد، ضرورت تدوین شاخص‌هایی که بتواند بر مبنای آن چارچوب فعالیت‌ها را مشخص کرد، بیش از پیش جلوه‌گر می‌شود. یکی از اقتصاددانان مسلمان معتقد است که عملی ساختن اهداف متعالی مکتب اقتصادی اسلام در جامعه، مستلزم آن است که این اهداف، به صورت شاخص‌ها و معیارهای کمی تعریف شوند. چرا که کمی شدن اهداف و معیارها، از یک طرف، مفاهیم را از ابهام پاک می‌کند و تصویر روشن و قابل بررسی از واژه‌ها و تعارف ارائه می‌دهد و از طرف دیگر امکان برنامه‌ریزی اقتصادی و جهت‌دهی به سیاست‌ها براساس معیار ارائه شده، به وجود می‌آید. علاوه بر این، همه می‌توانند در خصوص میزان موفقیت یک حکومت در تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام، داوری کنند (قحف، ۱۳۸۵، ص ۱۶۰).

پژوهشگران اقتصاد اسلامی در زمینه‌های مختلف به ارائه شاخص‌هایی قابل سنجش از مفاهیم نظام اقتصادی اسلام پرداخته‌اند. از جمله مطالعات صورت گرفته در این زمینه، مربوط به پژوهش عیوضلو (۱۳۸۶) در زمینه عدالت اقتصادی است. در این پژوهش پس از بررسی‌های تحلیلی در زمینه مبانی نظری تئوری‌های عدالت در مکاتب غربی و در نظام اقتصادی اسلام، تلاش شده تا شاخص‌های عملیاتی برای عدالت اقتصادی از منظر اسلام در چهار عرصه برخورداری برابر از منابع و فرصت‌های عمومی، بهره‌برداری از تولید و میزان سهم‌بری از ارزش افزوده تولید شده توسط هر عامل تولید و استفاده بهینه از اموال و ثروت‌های عمومی و توازن درآمدها ارائه شود. نویسنده در ادامه برای هر معیار، شاخصی کمی ارائه نموده و به بررسی آماری روند این شاخص‌ها پرداخته است.

مطالعه قابل اشاره دیگر، در این زمینه، ارائه شاخص صداقت (رجایی و کاظمی، ۱۳۹۰) در بازار اسلامی است. در این پژوهش معیارهایی برای سنجش درجه انطباق بازارها با وضعیت مطلوب بازار اسلامی ارائه شده است. شاخص ترکیبی صداقت، میانگین وزنی شاخص «شناخت»، شاخص «حاکمیت اخلاق»، شاخص «قانونمندی و نظم» و شاخص «خيارات» است.

تحقیق دیگر در زمینه شاخص سازی، ارائه شاخص ترکیبی توسعه انسانی براساس آموزه‌های تمدن اسلامی (صادقی شاهدانی و دیگران، ۱۳۹۱) است. در این مطالعه براساس مبانی نظری استخراج شده از آموزه‌های تمدن اسلامی، توسعه انسانی در ابعاد «اقتصادی- رفاهی»، «اجتماعی- فرهنگی»، «مذهبی- اخلاقی»، «سیاسی- حکمرانی» و «علمی- آموزشی» تعریف شده است.

۳. هدف نهایی نظام اجتماعی اسلام

منظور از هدف نهایی در نظام اسلامی، غایتی است که دین اسلام برای حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها ترسیم کرده است. اسلام از سرچشمه علم بی نهایت الهی ناشی شده است لذا برای تمامی ابعاد و شئون زندگی انسان در دنیا، طرح و برنامه دارد، برنامه‌ای که هماهنگ و منظم و در چارچوبی خاص جهت تحقق اهداف و ارزش‌های مطلوب، سازمان دهی شده‌اند. در زبان قرآن، این مدل جامع و هماهنگ به «حیات طیبه» تعبیر شده است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰٓةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ اُجْرَهُمْ بِاَحْسَنِ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ» (نحل: ۹۷)؛ هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیاتِ (حقیقی) بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد.

براساس مبانی دینی، اسلام، دینی کامل و جاویدان است و هر آنچه برای سعادت انسان نیاز باشد در این دین وجود دارد. تمامی حلال و حرام‌ها و کلیه ارزش‌های اخلاقی براساس مصالح و مفاسد واقعی جعل شده است و لذا یگانه راه تامین حیات طیبه و تحقق سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها در گرو پیاده شدن احکام اخلاقی و فقهی شریعت اسلامی است (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۶، ص ۷۰). قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «وَ نَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْكِتٰبَ تَبٰیٰنًا لِّكُلِّ شَیْءٍ وَ هُدًی وَ رَحْمَةً وَ بُشْرٰی لِّلْمُسْلِمِیْنَ» (نحل: ۸۹)؛ و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است، بر تو نازل کردیم.

تصریح قرآن بر «تبیان» بودن خود، بیانگر روشن شدن بی‌کم و کاست مسائل است و عبارت «لِّكُلِّ شَیْءٍ» نیز اشاره به این دارد که هر آنچه در سعادت و هدایت انسان تا

روز قیامت مؤثر است اعم از مسایل ارزشی و اخلاقی، معارف حقیقی مربوط به جهان بینی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی و یا مسایل مربوط به جهان هستی، در آن بیان شده است. از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرموده‌اند: «ای مردم، هیچ چیزی نیست که شما را به بهشت نزدیک و از آتش جهنم دور کند، مگر آن که شما را به آن امر نموده‌ام و هیچ چیزی نیست که شما را به آتش جهنم نزدیک و از بهشت دور کند، مگر آنکه شما را از آن نهی کرده‌ام» (حرّ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۷، ص ۴۵).

۴. سعادت و لذت از منظر مبانی اسلامی

نکته مهمی که توجه بدان لازم است، تمیز مفهوم سعادت از مفهوم لذت و تبیین جایگاه آن در حیات طیبه است. مفهوم سعادت و لذت خیلی به یکدیگر نزدیک هستند و عمده تفاوت آن دو در این است که لذت در موارد لحظه‌ای و کوتاه مدت نیز بکار می‌رود ولی، سعادت صرفاً در مورد لذت‌های پایدار یا نسبتاً پایدار کاربرد دارد. مثلاً، هیچ‌گاه درباره کسی که غذای لذیذی را می‌خورد و برای لحظاتی از آن لذت می‌برد، مفهوم سعادت را بکار نمی‌برند، بلکه می‌گویند از خوردن غذا لذت بُرد. پس در سعادت، لذت پایدار نهفته است و اگر ممکن بود کسی در زندگی همیشه لذت ببرد او کاملاً سعادتمند بود؛ ولی، از آنجا که زندگی خالی از درد و رنج وجود ندارد می‌توان گفت سعادتمند در این جهان کسی است که لذت‌های وی از نظر کیفیت و کمیت نسبت به درد و رنج‌هایش برتری و فزونی دارد. قرآن نیز در مقایسه بین لذت‌های دنیوی و اخروی به منظور دعوت به سوی آخرت و تشویق انسان به حرکت در مسیر سعادت معنوی با تعبیراتی نظیر «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (اعلی: ۱۷)؛ زندگی آخرت بهتر و با دوام‌تر است، انسان‌ها را به کسب لذت‌های پایدار و رسیدن به سعادت دعوت می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲، ص ۱۳).

بایستی اشاره کرد که یکی از گرایش‌های فطری انسان، گرایش به لذت و خوشی و راحتی است که با فرار از درد و رنج و ناراحتی، همراه است. معنای فطری بودن این گرایش آن است که ساختمان روح انسان طوری است که نمی‌تواند از لذت و خوشی صرف‌نظر کند و یا اینکه طالب رنج و مشقت و سختی باشد. لذا شهید صدر (ره) معتقد

است؛ غریزه حب ذات، غریزه اساسی در نهاد و نهان انسان بوده و وی بر پایه این غریزه با استفاده از عقل و اندیشه، آنچه را سعادت و لذت برای خود بداند؛ در پی آن می‌رود و هر چیزی را برای خود درد و آلم پندارد، به شدت از آن گریزان است و تمامی انسان‌ها در این غریزه، مشترک هستند (صدر، ۱۳۱۴ق.، ص ۳۲). بر این مبنا می‌توان نتیجه گرفت که سعادت از یک سو به مفهوم کسب بیشترین لذت و از سویی دیگر به مفهوم کسب پایدارترین لذت است. آنچه در اینجا قابل اشاره است این است که این قاعده مورد پذیرش بسیاری از مکاتب بوده و تنها تفاوت میان مکاتب مختلف، در تحلیل و تفسیر لذت بیشتر و پایدارتر است (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۳).

بنابراین براساس جهان‌بینی اسلامی، سعادت اعم از لذت مادی است و مفهوم زندگی سعادت‌مندانه اشاره به مدلی از حیات دارد که علاوه بر اینکه در پی کسب حداکثر لذت‌های پایدار و مشروع مادی در چارچوب شریعت و اخلاق است، نقطه توجه و تأکیدش را بر کسب رضایت الهی و تعالی معنوی انسان قرار داده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه: ۷۲)؛ خداوند به مردان و زنان با ایمان باغ‌هایی وعده داده است که از زیر (درختان) آن نهرها جاری است. در آن جاودانه خواهند بود و (نیز) سراهایی پاکیزه در بهشت‌های جاودان (به آنان وعده داده است) و خشنودی خدا بزرگتر است. این است همان کامیابی بزرگ.

در مکاتب غربی که مبتنی بر جهان‌شناسی ماتریالیستی هستند، از آنجا که انسان صرفاً به عنوان موجودی مادی و بدون ابعاد روحانی و الهی معرفی شده، مفهوم لذت در دایره تنگ ماده، معنا گشته است. در مکتب اصالت لذت بن‌تام^۱ به عنوان رکن اخلاقی و ارزشی اقتصاد متعارف، اساساً مفهوم انسان با لذت و درد تعریف شده و تمامی ابعاد انسان حتی اندیشه و عقیده او نیز در چارچوب لذت طلبی تفسیر می‌گردد. همچنین بن‌تام تصریح دارد که مقصود او از لذت و آلم، لذت و دردهای دنیوی همانند خوردن و آشامیدن و یا گوش کردن یک موسیقی است (کاپلستون، ۱۳۷۶، ص ۲۴). علم اقتصاد متعارف که براساس این اصول مبنایی شکل گرفته است، تلاش نموده تا اصالت لذت را

در قالب مفاهیمی همانند مطلوبیت مدلسازی نماید. اینکه انسان به دنبال حداکثر کردن لذت و حداقل کردن رنج‌هاست و «باید» چنین باشد، تا امروز هم سیطره خود را بر اقتصاد خرد حفظ کرده است.

اصل بیشینه کردن مطلوبیت در تحلیل رفتار مصرف‌کننده و حداکثر کردن سود در تحلیل رفتار تولیدکننده، بیانگر تاثیرپذیری اقتصاد خرد از فایده‌گرایی بنتامی است. در حوزه اقتصاد رفاه نیز ملاک‌هایی که برای سنجش و ارزیابی وضعیت رفاهی جامعه بکار برده می‌شود، تحت تاثیر اصول پیش گفته است. به عنوان مثال بر مبنای معیار پارتو^۲، بهبود رفاهی زمانی حاصل می‌شود که وضعیت رفاهی یک نفر ارتقا یابد بدون اینکه هیچکس متضرر شود. در این معیار هیچ فرقی نمی‌کند که فرد منفعت برنده جزء طبقات پایین درآمدی است یا طبقات بالای درآمدی بلکه آنچه مهم است، افزایش جمع جبری منفعت تک‌تک افراد است و اگر تغییر اجتماعی موجب گردد که هیچکس ضرر نبیند و حداقل یک نفر منفعت برد، این جمع جبری افزایش یافته و می‌توان گفت رفاه اجتماعی افزوده شده است (میرمعزی، ۱۳۷۸، ص ۷۱).

۵. اهداف اقتصادی نظام اجتماعی اسلام

پس از تبیین حیات طیبه به عنوان هدف عام نظام اجتماعی اسلام، بایستی متناسب با این هدف و براساس شئون مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حیات انسانی، به تبیین اهدافی خاص در قالب هر یک از زیر نظام‌های اجتماعی پرداخت. براساس مباحث گذشته می‌توان هدف نظام اقتصادی اسلام را تامین نیازها و اقتضائات اقتصادی برای رسیدن به حیات طیبه دانست که این بستر اقتصادی در قالب مفهوم رفاه و آسایش که هم شامل عناصر مادی و هم عناصر معنوی و ذهنی لذت است، معرفی می‌شود. همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، کسب حداکثری از لذت‌ها و برخورداری حداقلی از رنج‌ها می‌تواند هدف نهایی در جوامع انسانی باشد. اما اینکه مصادیق لذت و رنج کدام است و رنج و لذت واقعی چیست، امریست که بایستی با رجوع به مبانی عقیدتی هر مکتب آنرا تعریف نمود. لذا بر این اساس در این بخش تلاش می‌شود تا با بررسی آیات و روایات، مصادیق زندگی سعادت‌مندانه تبیین گردد.

نکته قابل توجه این است که آیات و روایات مرتبط با بحث، به دو دسته تقسیم بندی می‌شوند. در برخی از آن‌ها پاره‌ای از مفاهیم کلان به عنوان اهداف اقتصادی نظام اسلامی تبیین گشته است؛ لذا اشاره مصداقی به آنچه رفاه و سعادت از دیدگاه اسلام اطلاق می‌شود، نداشته است. اما در برخی دیگر از منابع دینی به صورت مصداقی از برخی عناصر عینی و ذهنی به عنوان ابعاد اقتصادی و غیراقتصادی حیات طیبه سخن به میان رفته است.

در روایتی از امام صادق(ع) تصریح شده است که همه مردم به سه چیز نیازمند هستند: امنیت، عدالت و سربسزی (محمدری شهری، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۹۴). در حدیث مذکور، تأمین این سه عنصر به عنوان نیاز تمامی انسان‌ها، فارغ از پیش و منش حاکم بر افکار و رفتار آن‌ها ذکر شده که در واقع بیانگر این امر است که این سه نیاز، نیازهای فطری و غریزی نوع انسانی بوده و بقای جامعه انسانی و ثبات نظم اجتماعی متوقف بر آن است. البته این مفاهیم هم ابعادی اقتصادی دارند و هم ابعادی غیراقتصادی اما آنچه در اینجا مدنظر است، نقش نظام اقتصادی در تحقق این امور در حوزه مسائل مربوط به عرصه اقتصاد است. بر این مبنا می‌توان استدلال نمود که تحقق این سه نیاز آن هم در تمامی عرصه‌های مختلف زندگی، از وظایف مهم هر نظام اجتماعی است. پیرامون هر سه هدف ذکر شده، می‌توان به آیات و روایات زیادی اشاره نمود که صریحاً درباره ضرورت و جایگاه مهم این اهداف و نقش ویژه و کلیدی آن در تأمین شرایط زندگی سعادت‌مندان نکاتی را بیان کرده‌اند. از امام علی(ع) نقل شده که فرموده‌اند: «بدترین وطن‌ها، وطنی است که ساکنانش در آن در امان نیستند» (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۴۴۷). یا اینکه در جایی دیگر اشاره کرده‌اند که رفاه و آسایش زندگی در داشتن امنیت است (آمدی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۰۰).

در زمینه عدالت اجتماعی و اقتصادی نیز نکات بسیار قابل توجهی در آیات و روایات تصریح شده است. به عنوان مثال از امام باقر(ع) نقل شده که فرموده‌اند اگر بین مردم به عدالت رفتار شود، آن‌ها بی‌نیاز می‌شوند و آسمان روزی خود را نازل می‌کند و زمین برکت خود را به اذن خدای متعال بیرون می‌ریزد (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۴۲۳). در این روایت امام(ع) تصریح دارند که یکی از مقدمه‌های رفع فقر و محرومیت و

رسیدن به رفاه عمومی، تحقق رفتارهای جامعه براساس عدالت در تمامی حوزه‌های مختلف از جمله عرصه‌های اقتصادی است.

از تعبیر سرسبزی نیز دو نکته قابل استنباط است؛ نکته اول اینکه مفهوم سرسبزی می‌تواند ناظر به آبادانی و بهره‌گیری انسان‌ها از مواهب طبیعت باشد که نتیجه اقتصادی آن، بکارگیری نهاده‌های بهره‌برداری شده از طبیعت در سازوکار تولید و افزایش درآمد ملی جامعه است. به عبارت دیگر، سرسبزی از این منظر به معنای آبادانی و رشد اقتصادی است. خداوند متعال در قرآن کریم مردم را به آباد کردن زمین فراخوانده است و می‌فرماید: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱)؛ او (خدایی) است که شما را از زمین آفرید و آبادی آنرا به شما واگذاشت.

حضرت امیر(ع) درباره این آیه می‌فرماید: پس خداوند سبحان به ما اعلام کرده است که مردم را به آباد کردن (زمین) فرمان داده است تا این آبادانی، به سبب آنچه از زمین بیرون می‌آید مانند حبوب و میوه‌ها و امثال آنکه خداوند برای تامین زندگانی بشر قرار داده است، زندگانی آنان را قوام بخشد (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق.، ج ۱۳، ص ۶۵).

آباد کردن که در آیه فوق به عنوان یکی از فرامین خداوند به انسان مطرح شده است نکته ظریفی را اشاره می‌کند و آن این است که بهره‌گیری از مواهب طبیعت بایستی با حفظ محیط زیست انجام گیرد در غیر اینصورت نمی‌تواند مصداق آباد کردن باشد چرا که عدم توجه به بهره‌برداری‌های پایدار از منابع طبیعی، موجب از بین رفتن عدالت بین‌نسلی گشته و از مصادیق تخریب محیط زیست به شمار می‌آید. لذا معنای دیگری که از تعبیر سرسبزی قابل استخراج است توجه به محیط زیست در سازوکار بهره‌گیری از منابع و نعمت‌های الهی است. محیط زیست پاک برای زندگی انسان‌ها هم از جنبه اقتصادی مورد توجه است و هم حیات جسمانی انسان در رابطه بسیار اساسی با محیط زیست قرار دارد. بدون محیط زیستی مناسب، امکان ادامه حیات و انجام فعالیت‌های اقتصادی فراهم نیست و سلامتی انسان‌ها در خطر قرار خواهد داشت.

در برابر این دسته از روایات که اشاره به اهداف کلان اقتصادی مکتب اسلام دارند، دسته‌ای دیگر از آیات و روایات وجود دارد که به صراحت، برخی عناصر خاص را مورد توجه و تاکید قرار داده و فراهم نمودن آن‌ها را از وظایف حکومت دینی

معرفی می‌نماید. به عنوان مثال از پیامبر اسلام (ص) نقل شده که فرمودند: «هر حاکمی که مسئول امور مسلمانان باشد، اما بی‌شائبه در جهت رفاه آنان نکوشد، با آنان وارد بهشت نخواهد شد»، پیامبر (ص) در روایت فوق تصریح دارند که حاکم اسلامی بایستی تماماً در جهت فراهم آوردن شرایط رفاهی زندگی برای مسلمانان بکوشد و در غیر اینصورت مسئولیت خویش را در منصب حکومت به درستی انجام نداده است (فراهانی فرد، ۱۳۸۱، ص ۱۶۵).

برای یافتن مصادیق مفهوم رفاه که پیامبر اکرم (ص) مدنظر داشته‌اند می‌توان به گفتارهای فراوانی از امیر مؤمنان (ع) که درباره وظیفه دولت در باب تأمین رفاه عمومی است، اشاره نمود. به عنوان مثال امیر مومنان (ع) در نامه خود بر مالک اشتر، رفاه و گشایش عمومی را وظیفه حاکم می‌شمارد: «فی الله لكلّ سعء، و لكلّ علی الوالی حق بقدر ما یصلحه» یعنی نزد خدای متعالی برای تمام مردم گشایش و رفاه قرار داده شده است و تمام مردم بر حاکم حق دارند چندانکه امور زندگی آنان را سامان دهد (شهیدی، ۱۳۷۲، ص ۳۳۰).

همچنین ایشان هنگامی که حکومت را در اختیار گرفت، رفاه عمومی را هدف اقتصادی دولت خود اعلام داشت و به والیان خود در سرزمین‌های دیگر نیز تأکید می‌کرد که در جهت رفاه عمومی کوشا باشند (یوسفی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۲). حضرت (ع) کوفه آن روز را که در سایه سیاست‌های وی به رفاه عمومی نسبی دست یافته بود، چنین معرفی می‌کند: «همه مردم کوفه در نعمت و رفاه به سر می‌برند؛ به طوری که همه از خوراک خوب (نان گندم)، مسکن و سرپناه مناسب و آب گوارا استفاده می‌کنند» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۴۰، ص ۳۲۷). تصریح حضرت بر عناصری مانند مسکن و یا غذای مناسب اشاره بر عناصر مادی مرتبط با حیات طیبه دارد که بکارگیری سازوکارهای مناسب اقتصادی، منابع لازم برای تأمین این امور را فراهم می‌آورد.

در روایتی دیگر از امام صادق (ع) به پنج عامل مهم اقتصادی و اجتماعی در تحقق رفاه و آسایش اشاره شده و عدم وجود هر یک از این عناصر به عنوان عامل ایجاد کمی و کاستی در رفاه و آسایش زندگی معرفی شده است؛ ایشان فرمودند: «پنج چیز است که هر کس یکی از آنها را نداشته باشد، زندگی‌اش همواره با کاستی مواجه، خردش

سرگشته و فکرش مشغول است: اول، تندرستی، دوم، امنیت، سوم، فراخی در روزی، چهارم، همدم سازگار، عرض کردم: منظور از همدم سازگار چیست؟ فرمود: زن نیک، فرزند نیک و همنشین نیک و پنجم که همه این ویژگی‌ها را جمع می‌کند، آسایش است» (ری‌شهری، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۲۲۱).

در حدیث فوق، چهار نعمت تندرستی، امنیت، همدم سازگار و فراخی در روزی به عنوان مقدمه‌ای بر آسایش ذکر شده است. آسایش و رفاه مفهومی است که علاوه بر بُعد مادی و عینی، عرصه‌های ذهنی و روانی را نیز شامل می‌شود. در واقع بایستی، رفاه را از احساس رفاه تفکیک نمود. واژه رفاه ناظر به تحقق شرایط و ملزومات عینی و فیزیکی حیات در یک جامعه است همانند تامین امکانات زیربنایی مناسب، رشد اقتصادی، امنیت، بهداشت، آموزش و ... اما احساس رفاه ناظر به مسائل روان‌شناسی اقتصادی و ذهنیت حاکم بر بازیگران اقتصادی است.

برخی اندیشمندان اقتصاد اسلامی معتقدند که براساس آیات و روایات اگر زندگی با ترک هوای نفس و رعایت تقوای الهی و ذکر خداوند همراه نباشد، تامین حیات طیبه امکان پذیر نیست (میرمعزی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۰)، لذا مفهوم آسایش علاوه بر بُعد مادی و روانی، شامل سلامت روحی و تقوای الهی نیز می‌شود.

در تحلیل و جمع‌بندی این دو دسته از روایات و نوع ارتباط آن‌ها با یکدیگر دو نکته قابل توجه است. اولین نکته قابل توجه این است که بر مبنای آیات و روایات، حکومت اسلامی بایستی عدالت، امنیت و آبادانی را به عنوان عناصر مادی حیات طیبه در سطح کلان مورد تاکید و توجه ویژه قرار دهد. به عبارت دیگر، عدالت، امنیت و آبادانی پیش شرط‌های رسیدن به رفاه و آسایش است (یوسفی، ۱۳۸۵، ص ۱۱۸).

نکته بعدی این است که مصادیق اشاره شده در دسته دوم از روایات مذکور، در واقع مصادیق مادی و معنوی رفاه و نتیجه وجود عدالت، امنیت و آبادانی در زندگی اعضای جامعه اسلامی است. بر این اساس می‌توان برای شاخص‌سازی اهداف اقتصادی نظام اجتماعی اسلام، دو رویکرد خرد (مصادیقی) و کلان ارائه نمود. در تحقیق پیش‌رو، شاخص‌سازی بر مبنای رویکرد کلان ارائه شده و شاخص‌های عدالت

اقتصادی، امنیت اقتصادی، آبادانی و محیط زیست به عنوان اهداف کلان نظام اجتماعی اسلام مدنظر قرار گرفته است.

۶. معرفی شاخص کمی اهداف اقتصادی نظام اجتماعی اسلام

برای سنجش میزان آبادانی و پیشرفت از مؤلفه امکانات زندگی در حوزه‌های فرهنگی، علمی، بهداشتی و درمانی که می‌تواند سطح پیشرفت محیط زندگی و میزان برخورداری جامعه از امکانات را نشان دهد، استفاده شده است. برای سنجش وضعیت محیط زیست نیز از شاخص جهانی عملکرد محیط زیست (EPI)^۳ استفاده می‌شود.

برای سنجش امنیت اقتصادی می‌توان از شاخص‌های متعددی استفاده نمود. به عنوان مثال فابریشس^۴ (۱۹۹۸م.) در مطالعه‌ای، شاخص نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به GDP را آماره مناسبی برای سنجش وضعیت امنیت اقتصادی جامعه معرفی می‌نماید. شریف آزاده (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای پیرامون رابطه سرمایه‌گذاری بخش خصوصی با مؤلفه‌های امنیت اقتصادی، نشان داده که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در اقتصاد ایران تا حدود چشمگیری به امنیت اقتصادی وابسته است. در مطالعه زارع شاهی (۱۳۷۹) نیز بر ارتباط قوی بین خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و امنیت اقتصادی تاکید شده است. براساس مطالعات انجام شده و آمار و اطلاعات موجود، برای ارزیابی وضعیت امنیت اقتصادی از میانگین شاخص نسبت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به GDP، شاخص نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به GDP، درصد پرونده‌های اختلاس، ارتشا و پولشویی به کل پرونده‌های مختومه کشور و درصد پرونده‌های چک بلامحل به کل پرونده‌های مختومه دادگاه‌های کشور استفاده شده است.

برای شاخص سازی عدالت اقتصادی نیز از رویکرد شهید صدر(ره) به شاخص عدالت اقتصادی استفاده شده است. توضیح اینکه عدالت اقتصادی در سه سطح عدالت مبنایی (عدالت در امکانات و فرصت‌های اولیه)، عدالت فرآیندی (عدالت در رابطه‌ها و فرآیندهای تولید و توزیع) و عدالت در نتیجه (عدالت در وضعیت نهایی و نتیجه عملکرد نظام اقتصادی) قابل طرح و بحث است (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۵). می‌توان عدالت را در هر سه سطح مذکور تعریف نمود و شاخص‌هایی را برای سنجش در هر

سه سطح بدست آورد. از جمله پژوهش‌های صورت گرفته جهت تبیین شاخص جامع از عدالت اقتصادی، مطالعه عیوضلو (۱۳۸۹) و رجایی و معلمی (۱۳۹۰) است. اما تحلیل و تبیین شهید صدر(ره) از مفهوم عدالت اقتصادی که در کتاب اقتصادنا مطرح شده، ناظر به سطح نتیجه است. شهید صدر(ره) بدون اینکه از توجه به عدالت در سطح مبدا و فرایندها غافل باشد، معیار عدالت خود را در سطح نتیجه ارائه نموده است. شاید بدین علت که معتقد است اگر عدالت در مراحل یک و دو حاصل شود، به صورت نتیجه، خود را در عملکرد نظام اقتصادی جامعه نشان خواهد داد. بر این اساس در این پژوهش نیز رویکرد مختار در باب شاخص عدالت اقتصادی، تبیین عدالت براساس دیدگاه شهید صدر(ره) در دو زمینه توازن اقتصادی و تکافل اجتماعی است.

برای شاخص توازن اقتصادی از میانگین دو شاخص نسبت ده درصد فقیر به ده درصد ثروتمند و معکوس ضریب جینی و برای شاخص تکافل اجتماعی از میانگین درآمد سرانه واقعی، تعداد مددجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی و نسبت سرشمار فقر استفاده شده است. در جدول ۱ مولفه‌های شاخص ترکیبی اهداف اقتصادی اسلام به طور خلاصه ارائه شده است.

جدول ۱. عناصر بکار رفته در شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی

ضریب جینی	توازن اقتصادی	شاخص عدالت اقتصادی
نسبت دهک اول به دهک دهم		
درآمد سرانه	تکافل اجتماعی	شاخص امنیت اقتصادی
نسبت سرشمار فقر		
تعداد مراکز پوشش مددجویان		
سرمایه گذاری بخش خصوصی به GDP	شاخص امنیت اقتصادی	شاخص امنیت اقتصادی
سرمایه گذاری خارجی به GDP		
تعداد پرونده‌های اختلاس، ارتشا و پولشویی به کل پرونده‌های قضایی		
تعداد پرونده‌های چک بلامحل به کل پرونده‌های قضایی		

ادامه جدول ۱. عناصر بکار رفته در شاخص ترکیبی عدالت اقتصادی

شاخص EPI	شاخص سرسبزی (محیط زیست)	
تعداد دندانپزشک	مولفه‌های درمانی	شاخص سرسبزی (آبادانی و پیشرفت)
تعداد پزشک		
تعداد تخت بیمارستان		
تعداد داروخانه‌ها		
تعداد مراکز درمانی		
مجموع تعداد مدارس مقطع ابتدایی، راهنمایی و متوسطه	مولفه‌های آموزشی	
نرخ باسوادی		
تعداد افراد برخوردار از امکانات آموزش عالی (دانشجویان دانشگاه آزاد و دانشگاه‌های زیر نظر وزارت علوم)		
تعداد کتابخانه‌ها	مولفه‌های فرهنگی	
تعداد سالن‌های سینما		
میزان کاربران اینترنت		
برخورداری از تلفن	مولفه‌های بهداشتی	
برخورداری از گاز شهری		
برخورداری از حمام		
برخورداری از آب سالم		
برخورداری از برق		
برخورداری از فاضلاب		

قسمت زیادی از آمار و اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه شاخص اهداف اقتصادی اسلام از مراکز معتبر آماری همانند مرکز آمار، بانک مرکزی و بانک جهانی استخراج شده است. همچنین آمار نسبت سرشمار فقر از مطالعه عبدلی و فراهانی (۱۳۹۰) و

مقدار شاخص EPI ایران از مطالعه عبادی و دیگران (2013) اخذ شده است. شاخص اهداف اقتصادی میانگین وزنی از چهار آماره آبادانی، محیط زیست، امنیت اقتصادی و عدالت اقتصادی است:

$$G=a(S)+b(R)+c(J)+d(C) \quad (1)$$

در فرمول فوق، S بیانگر وضعیت محیط زیست، R بیانگر وضعیت تولید اقتصادی جامعه، J بیانگر وضعیت عدالت اقتصادی، C نشان دهنده وضعیت آماره امنیت اقتصادی و G بیانگر مقدار شاخص ترکیبی اهداف اقتصادی است. همچنین ضرایب هر آماره، میزان اهمیت نسبی آنرا در کل شاخص نشان می‌دهد.

۷. بررسی تجربی شاخص اهداف میانی نظام اقتصادی اسلام در اقتصاد ایران

برای بررسی وضعیت شاخص اهداف اقتصادی در ابتدا بایستی مقدار ضریب هر آماره در فرمول محاسبه شاخص تعیین شود. دو روش کلی برای محاسبه ضرایب وجود دارد: روش ارزشی و روش تجربی. در روش ارزشی، بنا به درجه اهمیت نسبی هر کدام از آماره‌ها در مبانی بینشی و ارزشی مکتب اقتصادی، وزن بالاتری به آماره مورد نظر داده می‌شود. در این تحقیق با توجه به اهمیت ویژه عدالت در مکتب اقتصادی اسلام (عیوضلو، ۱۳۸۶)، وزن شاخص عدالت دو برابر سایر شاخص‌ها لحاظ می‌گردد.

الگوی دیگر برای بدست آوردن ضریب اهمیت هر آماره استفاده از روش تجربی است. می‌توان الگوهای مختلفی را برای محاسبه تجربی ضرایب بکار برد اما روش مورد استفاده در این مقاله، روش آنتروپی ۵ است. ایده اصلی در این روش این است که هر چه پراکندگی در مقادیر یک شاخص بیشتر باشد، آن شاخص از درجه اهمیت بالاتری برخوردار است (Momeni, 2008, p.14). برای بدست آوردن ضرایب، در مرحله اول مقدار بی‌مقیاس شده آماره z برای گزینه i طبق فرمول زیر بدست می‌آید:

$$P_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sum_{i=1}^m a_{ij}} \quad (2)$$

در مرحله بعدی مقدار آنتروپی آماره z محاسبه می‌گردد:

$$E_j = \left(\frac{-1}{\ln m} \right) \sum_{i=1}^m [P_{ij} \ln P_{ij}] \quad (3)$$

در مرحله سوم توسط فرمول زیر مقدار عدم اطمینان آماره j بدست آمده:

$$d_j = 1 - E_j \quad (۴)$$

در مرحله آخر نیز وزن آماره j به صورت زیر محاسبه می‌گردد:

$$W_j = \frac{d_j}{\sum_{i=1}^n d_j} \quad (۵)$$

همچنین در روابط فوق، aij بیانگر ارزش گزینه i از نظر آماره j ، m تعداد گزینه‌ها (در اینجا تعداد سال‌های مورد تحقیق)، Pij مقدار بی‌مقیاس شده شاخص j برای گزینه i ، Ej مقدار آنتروپی شاخص j ، dj مقدار عدم اطمینان موجود در شاخص j و Wj نیز بیانگر ضریب اهمیت شاخص j است. در جدول ۲ مقادیر ضرایب برای آماره‌های امنیت اقتصادی، عدالت اقتصادی، تولید ناخالص داخلی و وضعیت محیط زیست ارائه شده است.

جدول ۲. ضرایب آماره‌ها در روش آنتروپی

ضریب	آماره
۰/۶۰۳۳	امنیت اقتصادی
۰/۱۱۲۷	عدالت اقتصادی
۰/۲۵۱	آبادانی
۰/۰۳۲۹۳	محیط زیست

منبع: محاسبات محقق

در ادامه نیز به جهت یکسان نبودن واحد آماره‌ها، داده‌ها توسط فرمول زیر از ۰ تا ۱ استاندارد شده تا قابلیت گنجانده شدن و محاسبه در فرمول شاخص اهداف اقتصادی را داشته باشند:

$$X_n = \frac{X - X_{min}}{X_{max} - X_{min}} \quad (۶)$$

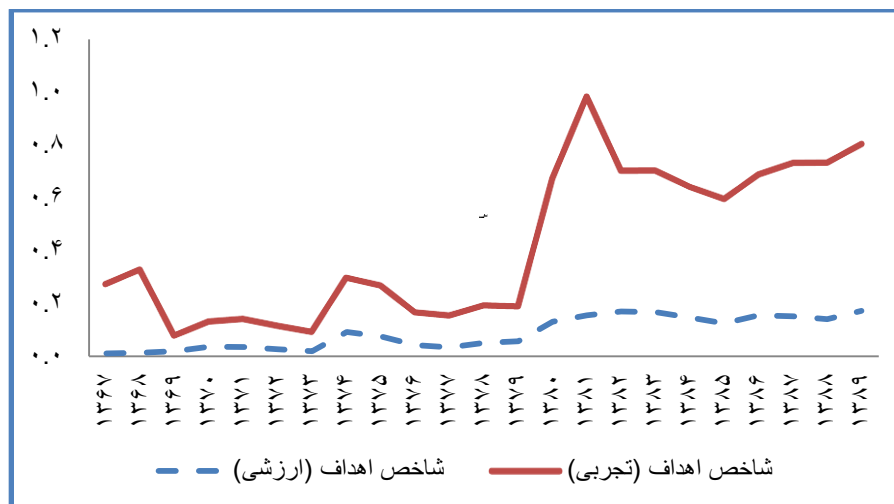
در جدول شماره ۳ میزان شاخص اهداف اقتصادی براساس دو دیدگاه ارزشی و تجربی ارائه شده است.

جدول ۳. مقدار شاخص اهداف اقتصادی براساس دیدگاه ارزشی و تجربی

شاخص اهداف	شاخص اهداف	سال	شاخص اهداف	شاخص اهداف	سال
اقتصادی بر مبنای دیدگاه تجربی	اقتصادی بر مبنای دیدگاه ارزشی		اقتصادی بر مبنای دیدگاه تجربی	اقتصادی بر مبنای دیدگاه ارزشی	
۰/۰۵۶۸	۰/۱۹۱۴	۷۹	۰/۰۱۱۰	۰/۲۷۵۲	۶۷
۰/۱۳۰۵	۰/۶۷۱۷	۸۰	۰/۰۱۲۸	۰/۳۳۰۱	۶۸
۰/۱۵۵۰	۰/۹۸۰۸	۸۱	۰/۰۱۹۷	۰/۰۸۱۴	۶۹
۰/۱۷	۰/۷۰۱۱	۸۲	۰/۰۳۵۷	۰/۱۳۴۸	۷۰
۰/۱۶۶۸	۰/۷۰۱۷	۸۳	۰/۰۳۵۲	۰/۱۴۴۷	۷۱
۰/۱۴۶۶	۰/۶۴۰۶	۸۴	۰/۰۲۶۱	۰/۱۱۸۶	۷۲
۰/۱۲۴۷	۰/۵۹۵۴	۸۵	۰/۰۱۹۷	۰/۰۹۵۶	۷۳
۰/۱۵۴۶	۰/۶۸۷۵	۸۶	۰/۰۹۱۴	۰/۲۹۹۷	۷۴
۰/۱۵۱۴	۰/۷۳۱۰	۸۷	۰/۰۷۴۹	۰/۲۷۰۴	۷۵
۰/۱۴۰۹	۰/۷۳۲۴	۸۸	۰/۰۴۲۳	۰/۱۶۹۱	۷۶
۰/۱۷۲۵	۰/۸۰۱۹	۸۹	۰/۰۳۴۱	۰/۱۵۷۲	۷۷
			۰/۰۵۰۶	۰/۱۹۵۵	۷۸

منبع: محاسبات محقق

در نمودار شماره ۱ روند حرکت شاخص اهداف اقتصادی در اقتصاد ایران طی دوره مورد مطالعه نشان داده شده است. خط چین، بیانگر حرکت شاخص اهداف براساس دیدگاه تجربی و خط ممتد نیز بیانگر دیدگاه ارزشی می‌باشد. ملاحظه می‌گردد که بر طبق هر دو دیدگاه، روند شاخص، علیرغم نوساناتی قابل توجه، روبه رشد بوده که این امر بیانگر حرکت اقتصاد ایران به سمت تحقق هر چه بیشتر اهداف اقتصادی اسلام است.



نمودار ۱. روند شاخص اهداف اقتصادی براساس دیدگاه ارزشی و تجربی در اقتصاد ایران

نتیجه گیری

بررسی آیات و روایات نشان می‌دهد که هدف غایی نظام عام اجتماعی اسلام، تحقق بسترهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی حیات طیبه است که در این بین سهم عرصه اقتصاد، تحقق رفاه اقتصادی (به عنوان بستر اقتصادی حیات طیبه) برای آحاد جامعه اسلامی است. رفاه اقتصادی از منظر اسلام در پرتو تعالیم دینی و با گستره‌ای برای عموم جامعه تعریف می‌گردد. البته تحقق رفاه اقتصادی منوط به تحقق عناصری چون رشد اقتصادی، محیط زیست سالم، امنیت اقتصادی و عدالت اقتصادی در بدنه اقتصادی جامعه اسلامی است که این چهار عنصر تحت عنوان اهداف نظام اقتصادی اسلام تبیین گردید.

بررسی روند شاخص اهداف اقتصادی با هر دو دیدگاه ارزشی و تجربی نشان می‌دهد که تحقق عدالت، امنیت و آبادانی در اقتصاد ایران علیرغم فراز و نشیب‌های محسوس، رو به رشد بوده و نسبت به وضعیت سال ۱۳۶۷ بهبود قابل توجهی یافته است.

یادداشت‌ها

1. Bentham
2. Pareto
3. environmental performance index
4. Fabricius
5. entropy

کتابنامه

- قرآن کریم
آمدی، محمد تمیمی (۱۳۷۳)، شرح غرر الحکم و درر الکلم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
- جهانیان، ناصر (۱۳۸۲)، اهداف توسعه با نگرش سیستمی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۳ق.)، وسائل الشیعه، لبنان: مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول.
- خلیلیان اشکذری، محمدجمال (۱۳۸۶)، «شاخص‌های توسعه انسان محور در جامعه مطلوب و آرمانی اسلام»، اقتصاد اسلامی، ش ۲۸، زمستان ۱۳۸۶، صص ۶۱-۸۷.
- دفتر همکاری‌های حوزه و دانشگاه (۱۳۷۴)، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- رجایی، سیدمحمدکاظم و کاظمی، مصطفی (۱۳۹۰)، «شاخص ترکیبی صداقت در بازار اسلامی»، معرفت اقتصاد اسلامی، سال سوم، ش ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۱۵-۱۴۴.
- زارع شاهی، احمد علی (۱۳۷۹)، «بی‌ثباتی سیاسی و امنیت اقتصادی و تاثیر آن بر عوامل تولید در ایران»، مطالعات راهبردی، ش ۷، تابستان ۱۳۷۹، صص ۲۲۲-۲۴۱.
- سیدی نیا، سید اکبر (۱۳۸۷)، «کرامت انسانی و اقتصاد»، اقتصاد اسلامی، ش ۸، بهار ۱۳۸۷، صص ۱۱۱-۱۴۲.
- شریف آزاده، محمدرضا (۱۳۸۲)، «تاثیرپذیری سرمایه گذاری خصوصی در ایران از شاخص‌های امنیت اقتصادی (۱۳۵۸-۱۳۷۹)»، نامه مفید، ش ۱۱، مهر و آبان ۱۳۸۲، صص ۱۵۹-۱۹۲.

بررسی تجربی تحقق اهداف نظام اقتصادی اسلام در اقتصاد ایران پس از انقلاب اسلامی ۲۹

- شهدادی، هرمز (۱۳۶۷)، کاربرد شاخص‌های اجتماعی اقتصادی در برنامه‌ریزی توسعه، تهران: مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی وزارت برنامه و بودجه، چاپ اول.
- شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۲)، *نهج البلاغه*، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- صادقی شاهدانی، مهدی؛ زاهدی وفا، محمد هادی و قائمی اصل، مهدی (۱۳۹۱)، شاخص سازی ترکیبی توسعه انسانی و بکارگیری آن در ارزیابی جایگاه جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، س ۲، ش ۸، پاییز ۱۳۹۱، صص ۹۵-۱۱۴.
- صالحی امیری، رضا و محمدی، سعید (۱۳۸۹)، *دیپلماسی فرهنگی*، تهران: انتشارات ققنوس، چاپ اول.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۱۴ق.هـ.)، *فلسفتنا*، بیروت: دراسة موضوعة فی معترك الصراع الفکری القائم، چاپ اول.
- همو (۱۳۵۰)، *اقتصاد ما*، ترجمه محمدکاظم بجنوردی، تهران: موسسه انتشارات اسلامی.
- عبدلی، قهرمان و فراهانی، یزدان (۱۳۹۰)، «تخمین حداقل معاش با استفاده از سیستم مخارج خطی در ایران و تعیین نسبت خانوارهای زیر خط فقر»، *رفاه اجتماعی*، س ۱۲، ش ۴۵، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۲۷-۱۵۲.
- عیوضلو، حسین (۱۳۸۶)، *شاخص‌های عدالت اقتصادی*، طرح پژوهشی، کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- قحف، منذر (۱۳۸۵)، «علم اقتصاد اسلامی، تعریف و روش»، ترجمه سیدحسین میرمعزی، *اقتصاد اسلامی*، س ۶، ش ۲۳، صص ۱۲۷-۱۵۷.
- کاپلستون، فردریک (۱۳۷۶)، *تاریخ فلسفه (فلسوفان انگلیسی)*، ترجمه امیر جلال الدین اعلم، تهران: انتشارات سروش، چاپ سوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹)، *الکافی*، ترجمه جواد مصطفوی، تهران: کتابفروشی علمی اسلامی.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۲)، *بحار الانوار*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۴)، *میزان الحکمة*، قم: دارالحدیث، چاپ اول.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۲)، «لذت و سعادت از دیدگاه قرآن کریم»، کوثر، ش ۱۰.
- موسویان، سیدعباس (۱۳۷۹)، *کلیات نظام اقتصادی اسلام*، قم: دارالثقلین، چاپ دوم.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۷۸)، «نقدی بر اهداف نظام سرمایه داری از دیدگاه اسلام»، کتاب نقد، ش ۱۱.

۳۰ مطالعات اقتصاد اسلامی، سال هفتم، شماره اول، پیاپی ۱۳ - پاییز و زمستان ۱۳۹۳

همو (۱۳۹۰)، *نظام اقتصادی اسلام (مبانی، اهداف، اصول راهبردی و اخلاق)*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ق.)، *مستدرک الوسائل*، لبنان: موسسه آل البیت، چاپ دوم.

هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۷۸)، *مکتب و نظام اقتصادی اسلام*، قم: موسسه فرهنگی خانه خرد.

یوسفی، احمد علی (۱۳۸۵)، «ابهام در اهداف نظام اقتصادی اسلامی و ساماندهی آن»، *اقتصاد اسلامی*، س ۶، ش ۲۳، پاییز ۱۳۸۶، صص ۱۰۱-۱۲۶.

یوسفی، احمد علی؛ فراهانی فرد، سعید و لشکری، علیرضا (۱۳۷۹)، *ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی*، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول.

Fabricius, Michael (1998), "The Impact of Economic Security on Bank Deposites and Investment", *IMF Working Paper*, WP/98.

Momeni, Mansour (2008), *New Topics in Operations Research*, Tehran: University of Tehran publications, Second edition.